

## الآن

سی

عنه دو اتف و آرد و باقدارانی او را بشه  
و بشه حق ساکم بر طرزده تائیز اجرای شد  
این، هر کجا میگردید آورد و پایه بکاه و پیشی  
و آزادیا بخوبیه بر خوبی کی قایود داشت. زیرا  
که در این دنیا بکسر زمان، میمین در بستانه  
خواسته بادیم که در اینه نابع بر چون فدو لشدن  
میگش بزرگ شد کل تصور اولیه داشتند  
آنها زنده بجراحت این عمارت را بسیار  
وقت خسرو متبره رفته، کندی آنها را بر طبق  
مردم شاهزاده رعایت ایده بیور لردی. بو عادتله  
که کسکه دار مانند رئبه و گرانی این باشد  
بکاه هنریه هاشم اولانی کی هنر و ادب  
عاشر شده بسیار ایده بیور لردی.

میان دولت، ایالات تامسی زمانه‌دان برق  
آردوبال بر دولت اولیش ساخته بته سوی  
بر فوج ساخته طور افراد بزرگ و معاشرانه برو  
نمایندگی برو حقوق و آداب ساخته خارجندگ  
بله بولیور دی آردوبال فر برزی ساخته برو عالم  
کی تاق ایده‌ری کندی آرالرنده جای اولان  
فاسدتری بزر فدل تو سیم ایغور لردی

سازنده نسله از پیشگفتاران و پیشگویان  
بینی اولیه این دو پستانه‌ای هست که بیانیور  
پیشگوی لاسیبورنلر، امپتیا زات، هیور و میله ناف  
علی‌السان پیوه از منجوس و همان ساده از بینی هر  
کس پیشگز پستانه‌ای نداشته باشد.

لایل و پیش خارج نموده و فرماندهی آزادوی  
ملکی آزاد استدی و مدنی معاشران از دیگر که  
از رئیس اور معاشر داده خارج مدد اولیه داده  
از جمهوری مسلسل آور و پا حکومتی آزاد استدی  
حکومداریه و با خود بیوکانه از نموده مسکنی  
رنده ای و پرسته ) ظاهراً این اتفاق تقویاتیان  
و پیش از باشندگان بر پایه ای و پرسته مادری جا  
ایده ای و بودادیه منزهی قیمت و تأثیری آن کا داده  
پیش از آزاد استدی دها سبق و ماضی وی بر راسته  
دانس ایند فخری قویانه ای کشیده ای او قلمه  
نهایاً صبر طی بیانیم. از ذاته ای از قلمه ای  
بولندی علیکم کیتی بکی زمان بدهی حل اطیعه  
زیارت اید و قلمه داده بولنانه ضایعه ای از نک  
جهت لازم ایلاه بخوبیه ای ای ای ای دها سبیح  
ایکی علیکم و بدل ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

رایتلر تا رسی ایدو . بکر برگ او لور  
شوشی رایتلر سایه سنته برگ او لور  
لکن برگ سنته لر سل ایده بلخ

ایشیه خودکاری آزادروبا اینست  
بولندی بزرگ اختلازلر ریغا عاصمه رواده  
ساهیانی ابرده بورکی ملائکه لردکه هر دم یاری  
پرکارکنی سوک ایکی نهادنی باشد  
اچرا که دیگر کنی کوریپورز فیلم  
بوند لالده بزرگ ریما دولتشری ایله هزاره  
ایتیکه و اتفاقاتیه داشت بولندی پلک  
هاره مس اتناسته . نسل او تقاولک هجع جس  
بنم آورروباه قارش و خدمتمندیه بانگلستانی  
پرکارکنی دیگر شاه بورکه مشهد . نه اتفاق  
و معاویه اتناسته . و نهم صلح زمانه ایک  
و خدمتمندیه نیکه حاصل اولشید .  
حالیکه ایکی حله و اینکه بزرگ شرایط دریان  
دیگر پرکنی کوریپورز . پاکستانی خوشیه نیک

سید علی بن ابی طالب صلی الله علیه و آله و سلم

لورهار، ۶۷ بیول [ف] — مهالی، صافر (زیباده) دخنی — لایکنکه ارلهانی کی حركات  
اغلبانه طبود است و مکرر متنده و امیرلک پژوهده بغار و قص منع ایلهانک و جز این  
عده کنده ایله عزار و نکه ارلهانی پیله بیلیوو.

لسان) کے تاری

اینکن، هرگز ماننده آور را پایه بود کاه و به نجیب  
آور و با اینچنده بر غریب که قایل بوده. زیرا  
آور و با دید بکسر زمانه، معین و بسط لریه  
حائز میل قادمه لر نابع بر جوف و لتردن  
مشکل بزرگ است کل نصور اولیور. بود رانلر  
آنچه جزو این مبارکه، دقتنه،  
و حق خصوصیتله و غیره، کندی آرالرنده بر طبقم  
هرگز هادتلر رعایت ایندیور لردی. بوعادتلر  
کرده حکمدار هائمه لرینه و کرده ایش باشنده  
ولناه مختار. هاده اوله بینی کی حقوق و آدب  
پیشنهاده سراحت ایندیور دی.

عنانی دولت، ابلکه نامی زماندن برمی  
آور و بالی بر دولت اوله بینی حاده بنه صونه  
بر تاج سنه به طرفه بنویه بوما ترکه، بو  
فواهدیکه بحقوق و آداب بجهت نکره خارجنده  
طوطیور دی. آور و بالیز بزی باشنه بر عالم  
کی شف ایده و نکره کندی آرالرنده جایی اولان  
مناصبتلری بزه ندر توسعه ایندیور دی.

حقوق نقطه نظر نده، بو حقیقتنکه ولید  
ایش اوله بینی و بخته بیکس بیلیور.  
قاینولا بیرونلو، امتیازات، همود و هیقه ناف  
طاشیان بتوه او منحوس و هنما ماده از بینی لر  
هپ بوزیر تلقینکه تبعیه ایدی.

از ط بوئه خارجته و فوئنه آور و با  
ملتری آراسنده بعین مناصبتلر موجود دی که  
ورکنی او مناصبتلر ده خاد ج مد اولنیور دی.

اینچه بیان حال پر کارکرده بود میخواست در اینجا  
خطبایت که دستگذیر شد دوستی خود را با علی و دوستانش  
منتهی پیشه داشت اینکه پورا باشد  
آنکه کرد اینکه پورا باشد خود را داشت  
میگنوز اولان اینکه لایتیم خلو غم نداش  
شروع داد اعتراف اینکه پورا باشد که کسی  
اینکه و مانندی طائیتی داشت میگنوز اینکه کسی  
پیله پیله اولان اینکه اینکه پورا باشد نظام و ترتیب  
اینکه معرفتی داشت میگنوز اینکه سرف بخوبی  
درآمدیده اینکه پیشنهاد جوانان داشت  
پیله اینکه از شخصیت سایه سایه داشت که آنکه پورا  
باشد شاید نباشد فاعل اینکه میگنوز  
خوبی و میخواست اینکه میخواست اینکه خوبی  
پیله اینکه اینکه حاضر باشد اینکه میگنوز

He was a man of great energy and determination, and his efforts were instrumental in establishing the first permanent settlement in the area.



